

بحران کم‌آبی و گسست در امنیت ملی

فرزاد رستمی*

مسعود نادری**

وَصَرَِبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ
فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (سوره النحل آیه ۱۱۲).

و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید
پس [ساکنانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند
طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاندید.

چکیده:

پس از پایان جنگ سرد و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یک مسأله بر
همگان روشن شد و آن این‌که امنیت، تنها در بعد نظامی خلاصه نمی‌شود. در
این‌جا اندیش‌مندان به باز تعریفی از امنیت و ابعاد آن پرداختند. یکی از ابعاد
امنیت در شکل جدید، مربوط به مباحث زیست‌محیطی است. محیط‌زیست

*. عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه.

(نویسنده مسئول: f.rostami1361@gmail.com).

** . دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه رازی کرمانشاه.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۹

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره پانزدهم، صص ۱۹۱ - ۱۶۱

دارای شاخه‌ها و ابعاد گوناگونی است. شامل: خاک، جنگل، هوا و غیره. از جمله این ابعاد که به‌عنوان مشکل نوین بشریت و زمینه‌ساز جنگ‌های آینده از آن نام برده می‌شود، "منابع آب" است. آب و منابع آبی را می‌توان مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری جوامع بشری و بقای آن‌ها دانست، حال مسأله اساسی آن است که در زمان حاضر، با توجه به افزایش سریع جمعیت و نیازهای این جمعیت به منابع آب شیرین، رشد کشاورزی برای تأمین نیازهای این جمعیت، پدیده شهرنشینی و هم‌چنین مدیریت ناصحیح منابع آب، به ما متذکر می‌شود که باید سعی در ارائه الگویی مناسب در جهت حفظ این ماده حیاتی برای زندگی بهینه نسل کنونی و امانت‌داری از آن به‌منظور واگذاری به نسل‌های بعد داشته باشیم. بحران آب در جهان امروز به هر دلیلی که باشد، یک ویژگی دارد و آن این‌که آب صرفاً یک کالای اقتصادی برای رفع نیازهای روزمره نیست و می‌تواند شکل امنیتی به خود بگیرد، موجبات تأثیر بر جوامع را فراهم گردانیده، در سطح منطقه بروز آشوب و در نهایت جنگ را در پی داشته و در سطح جهانی هم موجبات مرگ انسان‌های بسیاری را فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: بحران زیست‌محیطی، بحران آب، مکتب کپنهاگ، امنیت ملی، تهدید.

مقدمه

همه محیط‌هایی را که زندگی در آن در جریان است، می‌توان محیط‌زیست نامید؛ از یک رود کوچک گرفته تا یک جنگل بزرگ و حتی یک شهر همگی، البته به انواع گوناگون، مواردی از محیط‌زیست را تشکیل می‌دهند. در این میان، روندهای کنونی موجبات بروز مشکلاتی در این محیط را فراهم آورده است و به عبارتی، بحران محیط‌زیستی را موجب شده و دامن زده است. از جمله این تهدیدات زیست‌محیطی، بحران کم‌آبی است که کشورهای مختلف در کره زمین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. باید به این نکته واقف باشیم که ۷۰ درصد سطح کره زمین را آب پوشانده است که این امر موجبات نام‌گذاری سیاره زمین به کره آب را فراهم آورده است. اما از میان کل آب‌های موجود در کره زمین، تنها ۶ درصد آب شیرین است و مابقی را آب‌های شور تشکیل می‌دهند که این امر اهمیت دسترسی به آب، خصوصاً آب شیرین را چند برابر می‌کند. از جمله مناطق حساس به معضل کم‌آبی، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است که کشور ما نیز در این منطقه جای دارد. گرچه در طول تاریخ دسترسی به منابع آب باعث بروز تنازعات داخلی و بین‌المللی و تشدید آن‌ها شده است، اما در دهه‌های اخیر رشد جمعیت و گرم‌شدن زمین نقش مهمی در بالا رفتن تقاضا برای منابع آب داشته است. آب به اعتباری حساس‌ترین منابع تجدیدپذیر به شمار می‌رود؛ زیرا انسان نه تنها برای آشامیدن و تولید مواد غذایی، بلکه برای به حرکت درآوردن چرخ صنعت و تأمین انرژی نیز به دسترسی مداوم به آن نیاز دارد (بزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶). در این جا به بررسی دقیق ماهیت تهدیدات جدید که یکی از آن‌ها تهدید زیست‌محیطی است، می‌پردازیم.

سوال اصلی نگارنده در این جا این است که بحران کم‌آبی چه تأثیری بر معادلات امنیتی در جهان کنونی دارد؟

در این راستا با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و استفاده از داده‌های آماری، ضمن توضیح مکتب کپنهاگ، در پی بررسی بحران زیست‌محیطی و یکی از مهم‌ترین انواع آن یعنی بحران کم‌آبی در منطقه خاورمیانه و کشور ایران هستیم. پس از آن به توضیح امنیت ملی خواهیم پرداخت و در نهایت به بررسی رابطه بحران کم‌آبی و امنیت ملی در چارچوب مکتب کپنهاگ می‌پردازیم تا به رابطه منطقی میان این متغیرها آگاهی یابیم.

۱. چارچوب نظری

مکتب کپنهاگ مکتبی است در راستای توجه وسیع به موضوع امنیت با اندیش‌مندانی هم‌چون «مک سوئینی»^۱، «اولی ویور»^۲ و «باری بوزان»^۳، که در این میان بوزان با کتاب معروف خود یعنی «مردم، دولت‌ها و هراس» از سایرین شناخته‌شده‌تر می‌باشد. مکتب کپنهاگ چارچوبی است که «بیل مک سوئینی» بر آثار و نقطه نظرات باری بوزان، «اولی ویور» و «دوویل» و دیگران به کار برده است. این مکتب با توجه به این که کاملاً بر مطالعات امنیتی استوار گشته، جزء اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جای‌گاهی مستقل برای مطالعات امنیتی می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۰).

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و تحولات جدید در عرصه نظام بین‌الملل از بعد از دهه ۹۰ شاهد تغییرات عمده‌ای در مفاهیم امنیت بین‌الملل هستیم. در این مقطع شاهد تحول قابل توجهی از حوزه تهدیدات سخت‌افزاری در حوزه موضوعات امنیتی به تهدیدات نرم‌افزاری هستیم. انتقاد از دستور کار سنتی رئالیست‌ها در خصوص مقوله امنیت که آن‌را صرفاً امنیت نظامی محور تصور می‌کردند، با فروپاشی نظام دوقطبی و اتحاد شوروی سابق در اثر رقابت تسلیحاتی و عدم توجه به اقتصاد از ناحیه این ابرقدرت ناتوانی دیدگاه امنیتی رئالیست‌ها در توضیح این مسأله را اثبات کرد. بنابراین، تحولات یادشده در نظام بین‌الملل ضرورت بازتعریف جدید در مقوله امنیت و ابعاد آن و هم‌چنین نیاز به دستور کار جدیدی برای تجزیه و تحلیل امور امنیتی را بیش‌تر کرد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۲۴-۱۲۲). مسائل مربوط به انرژی، منابع، محیط‌زیست، جمعیت و استفاده از فضا و دریا اکنون هم‌تراز مسائل مربوط به امنیت نظامی، ایدئولوژی و رقابت سرزمینی شده‌اند که به طور سنتی به دستور

1. Bill Mc Sweeney
2. Ole Waver
3. Barry Buzan

کار دیپلماتیک شکل می‌دادند. (Ciaonet/wps/moboi/index.html).

محورهای اساسی مکتب کپنهاگ به طور کلی عبارت‌اند از:

۱- مطرح شدن امنیت به‌عنوان مفهومی بین‌ذهنی؛

۲- دولت به‌عنوان مرجع امنیت؛

۳- امنیتی و غیرامنیتی ساختن موضوعات؛

۴- امنیت ملی به‌عنوان مرکز ثقل امنیت (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

اگر یک عنوان برای «باری بوزان» مناسب‌تر از بقیه باشد، آن عنوان «واقع‌گرای روشن‌اندیش» است. در جریان اصلی دانش روابط بین‌الملل شاید هیچ نظریه‌پرداز دیگری بیش از بوزان برای پیش‌برد این رشته در حوزه نظریه و امنیت بین‌الملل نکوشیده باشد (گریفیتس و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۲۷).

باری بوزان به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان مکتب امنیتی کپنهاگ، برداشت ساده‌انگاره از مفهوم امنیت را زیر سوال می‌برد. وی اظهار می‌دارد رئالیست‌ها کسب حداکثر میزان قدرت را لازمه ایجاد امنیت می‌دانند و در مقابل لیبرال‌ها رسیدن به صلح را معیار تحقق امنیت قلمداد می‌کنند. هر دو دیدگاه فوق نتوانسته است معنای واقعی امنیت و تطبیق مبانی آن با جهان معاصر را به‌خوبی تبیین کند. وی بیان می‌دارد که اکنون نیاز به ارائه یک دیدگاه میانه، که هر دو مفهوم قدرت و صلح را در خود جای دهد، به‌عنوان بهترین تعریف برای مفهوم امنیت ضروری می‌باشد. وی ابعاد امنیت را در پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی گسترش می‌دهد. مکتب کپنهاگ را می‌توان واکنشی نسبت به دیدگاه رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها نسبت به مفهوم امنیت دانست. در واقع چارچوب تنگ و محدود دامنه امنیت در دیدگاه آنان در مکتب کپنهاگ اصلاح شده است (بوزان و ویور، ۱۳۸۰: ۱۳۹-۱۳۱).

مکتب کپنهاگ، که به شکل ضمنی و تأکیدی بر هنجارها، هویت و امنیت اجتماعی تأکید دارد، واجد نوعی هستی‌شناسی سازه‌انگاره است و با وجود تأکید بر دولت‌ها به‌عنوان کنش‌گران اصلی، از لحاظ نظری جایی برای سایر کنش‌گران هم باقی می‌گذارد. بر این اساس بوزان بر خلاف دیدگاه رویکردهای پیشین در مورد امنیت، که آن را امری عینی و واقعی تصور می‌کردند، بیان می‌دارد که «امنیت مسأله‌ای بین‌ذهنی است» که مبتنی بر تصمیم‌بازی‌گران خواهد بود. بدین ترتیب، ممکن است برداشت و ادراکات امنیتی مختلف و

متفاوتی از سوی بازیگران مختلف حتی در مورد موضوعی خاص، روی دهد. از سوی دیگر برداشت و ارزیابی دیگران در مورد امنیتی ساختن یک موضوع توسط یک بازیگر اهمیت می‌یابد؛ زیرا این برداشت و ارزیابی آن‌ها در نهایت بر نحوه تصمیم‌گیری و پاسخ‌های آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود.

بر همین اساس، در حالی که یک موضوع در نزد بازیگری می‌تواند به‌عنوان تهدیدی امنیتی قلمداد شود، همان مسأله نزد بازیگر دیگر مسأله‌ای عادی تلقی می‌شود. این مسأله، «تنگنای امنیت» یا «دوراهی امنیت» نامیده می‌شود. به‌عنوان مثال، در حالی که کشوری افزایش قدرت نظامی خود را برای مقاصد دفاعی مد نظر قرار می‌دهد، این مسأله از سوی قدرت همسایه یا رقیب، به‌عنوان تهدید علیه امنیت ملی خود تلقی می‌شود.

بوزان هم‌چنین اظهار می‌دارد که طرح مکتب کپنهاگ برای سیاستمداران در مواجهه با تهدیدات، آن است که به جای بحث در مورد تهدیدات امنیتی، به شناسایی فرایندی توجه کنند که در نتیجه آن تهدید امنیتی شکل می‌گیرد. بدین ترتیب که امنیت پدیده‌ای است که در بستر یک فرایند شکل می‌گیرد. لذا پیشنهاد بوزان برای سیاستمداران این است که به جای این‌که بیش‌ترین تلاش و تمرکز خود را برای مقابله با آن صرف کنند، بهتر است که به شناسایی فرایندی بپردازند که باعث به وجود آمدن تهدیدات امنیتی شده است. در باور بوزان، از این طریق می‌توان مانع از به وجود آمدن زمینه‌های شکل‌گیری تهدیدات امنیتی شد (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۳-۱۲). مطابق گفته بوزان، مکتب کپنهاگ، که در سال ۱۹۸۵ با تلاش برخی از محققان امنیت بین‌الملل هم‌چون باری بوزان و آل ویور شکل گرفت، درصدد بود بار امنیتی را از دوش مسائل عادی بردارد و با گسترش دامنه مسائل غیرسیاسی-اجتماعی و به طور کلی عادی، مانع سوءاستفاده دولت و نظامیان از موقعیت ویژه شود (Bigo, 2002 : 63).

از نگاه بوزان، کاستی کلیدی سطح تحلیل دولت‌محور (رنالیستی)، اکتفای آن به وجوه عینی و واقعی قدرت و امنیت است؛ درست برخلاف تحلیل جهانی از امنیت، که به عقیده وی آکنده از تخیل و تغییر است. بوزان، سطح تحلیل منطقه‌ای را به خاطر توجه به مواردی چون پویایی، برداشت‌های تغییر‌یابنده، تحول امور، تبار تاریخی، موقعیت جغرافیایی و به طور کلی، خصلت تکوینی فضاها و گزاره‌ها را مقدم می‌دارد (نصری، ۱۳۸۳: ۳۴۳).

۲. امنیت ملی

در دنیای روابط بین‌الملل و سیاست، ما با مفاهیم گوناگونی روبرو هستیم که یکی از این مفاهیم موضوع «منافع ملی» است. منافع ملی مفهومی پیچیده و دارای تعاریف گوناگون است که از جمله امکان دارد به هدف‌های اولیه و همیشگی کشوری اطلاق شود. به اعتقاد «پادلفورد» و «لینکلن»، این هدف‌های همیشگی شامل این ارزش‌های چهارگانه خواهد بود: (۱) امنیت ملی؛ (۲) رفاه اقتصادی؛ (۳) حفظ و افزایش قدرت در روابط با کشورهای دیگر؛ (۴) پرستیژ (اعتبار، حیثیت) (اسدی، ۱۳۸۵: ۱۴)؛ که تأکید نگارنده در این جا بر مفهوم امنیت ملی است. هم‌چنین منافع ملی به ۴ مورد قابل تقسیم‌بندی هستند:

- منافع وجودی
- منافع حیاتی
- منافع مهم

• منافع حاشیه‌ای (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۴۶-۱۴۵).

در این میان، با توجه به حساسیت بالای منابع زیست‌محیطی و مشکلات نشأت گرفته از آن، می‌توان آن‌ها را ذیل عنوان منابع حیاتی قلمداد کرد، و حتی با اندکی تسامح می‌توان منابع زیست‌محیطی را در ردیف منافع وجودی قرار داد.

امنیت به طور سنتی قلمرو استراتژی و قدرت است (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۱۵). اما امنیت را فراتر از این موارد می‌توان در ابعاد گوناگون به بحث نشست؛ از امنیت رژیم و جامعه گرفته تا امنیت اقتصادی. لیکن مفهوم اصلی برای ما در این جا «امنیت ملی» است. در سال ۱۹۴۷ کنگره آمریکا قانون امنیت ملی را به تصویب رساند که هدف آن فراهم کردن زمینه برای استقرار سیاست‌ها، شیوه‌ها، سازمان‌ها و آن‌گونه وظایف حکومتی بود که برای تأمین امنیت ملی ضروری شمرده می‌شود (روشندل، ۱۳۹۲: ۶).

مفهوم امنیت ملی به‌رغم قدمت و کاربرد فزاینده‌اش در ادبیات روابط بین‌الملل، هم‌چنان توسعه نیافته، مبهم، نارسا، ماهیتاً جدال‌برانگیز و متباین و متناقض است (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۷). کشورهای توسعه‌یافته مفهوم امنیت ملی را به دنبال منافع داخلی در خارج از مرزهای ملی نظریه‌پردازی می‌کنند، در حالی که جهان سومی‌ها در جستجوی ثبات، به دنبال امنیت رژیم و در لایه‌های درونی کشور خود، طراحی استراتژی امنیت ملی را پی‌ریزی می‌کنند.

به نظر بوزان، در کشورهای جهان سوم به موازات حرکت به سمت پایین طیف، یعنی به سمت حکومت‌های ضعیف‌تر، تعیین مصداق امنیت ملی سخت‌تر می‌شود و مفهوم امنیت ملی که عمدتاً ناظر به تهدید خارجی است، به‌طور فزاینده‌ای برای تهدیدات داخلی اولویت قائل می‌شوند (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

به اعتقاد بوزان، بسیاری نتوانسته‌اند در مقابل وسوسه ارائه تعریف مقاومت کنند. از این رو، تعاریفی از امنیت ملی ارائه کرده‌اند که برخی از آن‌ها به اختصار چنین است:

- «ایان بلانی»: امنیت یعنی رهایی نسبی از جنگ، همراه با انتظار نسبتاً زیاد، این که نتیجه هر جنگی که رخ بدهد، شکست طرف مقابل است.

- «نه لوپه هارتلند - تانبرگ»: امنیت ملی یعنی توانایی یک ملت برای پیگیری موفقیت‌آمیز منافع ملی خود، در هر جای دنیا به همان نحوی که خودش آن‌ها را می‌بیند.
- «مایکل لوه»: امنیت ملی شامل سیاست دفاع ملی و نیز اقدامات غیرنظامی دولت برای تضمین ظرفیت کامل بقای خود (به‌عنوان یک موجودیت سیاسی) به منظور اعمال نفوذ و حصول اهداف داخلی و بین‌المللی است.

- «جیاکومو لوچیانی»: امنیت ملی را می‌توان به‌عنوان توانایی رویارویی در مقابل تجاوز از خارج تعریف کرد (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۲).

اما یکی از تعاریف مهم و کلاسیک‌تر از امنیت مربوط به «والتر لیپمن» در سال ۱۹۴۳ است که امنیت ملی را این‌گونه تعریف کرده است: یک ملت آن زمان برخوردار از امنیت است که در زمان خطر مجبور به فداکردن ارزش‌های حیاتی خود نباشد، اگر مایل بود از جنگ اجتناب کند، و اگر جنگ شد، ارزش‌های حیاتی خود را با پیروزی در نبرد پاس بدارد (مارتین، ۱۳۸۹: ۹۸).

بعضی از اندیش‌مندان هم‌چون «ایوب»، «آذر» و «مون» نیز که در روابط بین‌الملل آن‌ها را پژوهش‌گران جهان‌سومی می‌دانند، دیدگاه متفاوت‌تری از امنیت ملی را ارائه می‌دهند. در این میان، ایوب تحلیل متفاوتی ارائه می‌دهد و معتقد است رویکرد برون‌گرایانه امنیت‌پژوهان غربی که به دنبال کشف و تشخیص تهدیدات بیرونی نسبت به امنیت ملی هستند، برای کشورهای جهان سوم که بیش‌تر با معضلات، تنگناها و تهدیدات داخلی روبه‌رو هستند، غیرقابل کاربرد است (Ayoob, 1995: 6).

باری بوزان نیز با تغییر در مولفه‌های همیشگی امنیت که همان مولفه‌های سخت

رنالیست‌ها و مولفه‌های نرم لیبرالی است، شکلی از امنیت را ارائه می‌دهد که به حاشیه‌راندن سایر متغیرها را نمی‌پذیرد و معتقد به بازیگری عوامل پنج‌گانه است.

بوزان در نهایت معتقد است: «جمع‌های انسانی را عوامل پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و با هر نوع تهدید (نظامی، سیاسی و جز آن) باید مقابله کرد.» (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۹). صرف‌نظر از تمام موارد ذکر شده، به‌طور کلی به عقیده غالب اندیش‌مندان علوم سیاسی، امنیت به این معانی و پدیده‌ها اطلاق می‌شود:

- حفظ تمامیت ارضی، جان مردم، بقا و ادامه نظام‌های جامعه (اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) و نیز حاکمیت کشور
- حفظ منابع حیاتی کشور؛
- عدم وجود احساس ترس جدی از ناحیه خارج از کشور نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور.

نکته دیگر این‌که، امنیت دارای این صفات و ویژگی‌ها است: (۱) امنیت امری نسبی است؛ (۲) امنیت پدیده‌ای ذهنی است؛ (۳) بین امنیت و قدرت یک رابطه منطقی و همیشگی وجود دارد (اسدی، ۱۳۸۵: ۱۶).

هم‌چنین هنگامی که موضوعاتی نگرانی امنیتی خوانده می‌شوند، این کار می‌تواند آن موضوعات و نیز اقداماتی را که برای اصلاح آن‌ها انجام می‌شود، از فوریت ویژه‌ای برخوردار سازد (Waver, ۱۹۹۵: ۵۵).

۳. تهدیدات امنیتی

بسیاری از تعاریف در بسط مفهوم تهدید بر یک نکته کلیدی تأکید دارند و آن این‌که تهدید به معنای نبود امنیت است و عدم امنیت نقطه شروع تهدیدات است، که این امر درهم‌تنیدگی هرچه بیش‌تر این دو مفهوم را روشن می‌سازد. تهدید از نظر لغوی به معنی، ترسانیدن و بیم‌دادن است. در عرصه سیاست و روابط بین‌الملل، تهدید عبارت است از هرگونه قصد، نیت حادثه و اقداماتی که ثبات سیاسی و اقتصادی، منافع حیاتی و امنیت ملی یک کشور را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد (تهامی، ۱۳۷۶: ۴۴). در رابطه با کشورها و دولت‌ها، تهدید در برابر مفهوم امنیت ملی قرار می‌گیرد و از آن به تجاوز به حق

حاکمیت دولت‌ها در امور داخلی و خارجی آن‌ها تعبیر می‌شود. تهدید در برابر امنیت قرار می‌گیرد (جاگر می و دیگران، ۱۳۹۲ : ۲۰۲).

«ریچارد اولمان» در تعریف تهدید می‌نویسد: تهدید نسبت به امنیت ملی عبارت از عمل یا پیامد یک سلسله از حوادث است که یا طی زمانی کم و بیش کوتاه، کیفیت زندگی ساکنان کشور را مورد چالش قرار دهد و یا گزینه‌ها و دامنه اختیار فراروی حکومت، دولت یا کنش‌گران غیرحکومتی را به شدت محدود کرده و آن‌را در تنگنا قرار دهد (افتخاری، ۱۳۸۱ : ۴۹).

در تعریفی دیگر آمده است که تهدید امنیت ملی عبارت است از توانایی‌ها، نیات و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه (داخلی و خارجی) برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علایق و مقاصد امنیت ملی یا مداخله، به نحوی که نیل به این علایق و مقاصد به خطر بیفتد (تاجیک، ۱۳۸۱ : ۵۲).

به نظر «آدلر»، تهدید امنیتی چیزی جز جنگ هسته‌ای و هزینه‌های آن نخواهد بود. بنابراین «تنها زمانی به پیشرفت در زمینه امنیت بین‌المللی دست خواهیم یافت که پرهیز از جنگ هسته‌ای به قیمت لطمه دیدن رفاه انسان‌ها و حقوق بشر تمام نشود» (Adler, 1991 : 132).

همان طور که در تعاریف از تهدید ما شاهد پیچیدگی هستیم، در ماهیت و سرشت تهدیدات نیز تفاوت‌هایی حاکم است. در جایی که رئالیست‌ها تهدید را در بالاترین و اولیه‌ترین سطح آن یعنی جنگ می‌پندارند، لیبرال‌ها بر مسائل گوناگونی هم چون مشکلات اقتصادی، حقوق بشر، نسل‌کشی و ... تأکید دارند.

در این میان ما شاهد شکل‌گیری سه نوع تهدید بسیار مهم هستیم که آن‌ها را در قالب تهدیدات نوین جای خواهیم داد:

الف: اقتصاد

ب: مهاجرت

ج: جنایت

در این میان تهدید اقتصادی سابقه به مراتب طولانی‌تری را داراست، اما مهاجرت و انواع سازمان‌یافته‌ای از جنایت دریچه جدیدی از تهدیدات امنیتی را پیش روی ما می‌گشایند. به همین دلیل، بسیاری بر این اعتقادند که جوامع امروزی بیش‌تر از درون

مورد آسیب‌پذیری قرار می‌گیرند تا از بیرون.

در مجموع، تهدید در دو نوع سخت (فیزیکی و نظامی) و نرم (با هدف‌گیری بر ارزش‌ها، باورها و اعتقادات) صورت می‌گیرد. در این جا باری بوزان معتقد به تهدیدات در ابعاد پنج‌گانه «نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی» است.

۱-۳. امنیت نظامی: یعنی توان پاسداری و دفاع مردم یک کشور از سرزمین و شهروندان خود و به‌طور خلاصه، امنیت نظامی یعنی توانایی قدرت دفاعی و تهاجمی برای یک کشور.

۲-۳. امنیت اقتصادی: به معنای دارا بودن ثبات اقتصادی، تولید انبوه، صادرات متناسب، کافی بودن منابع مالی، تأمین رفاه اقتصادی و معیشت مردم .

۳-۳. امنیت سیاسی: یعنی امنیت کشور از نظر سیاسی؛ به معنای این که بیگانگان به جای مردم تصمیم نگرفته و سرنوشت مردم به دست خودشان باشد، هم‌چنین مشروعیت رژیم حاکم را نیز در برمی‌گیرد.

۴-۳. امنیت اجتماعی و فرهنگی: زمانی محقق می‌شود که یک ملت توانایی حفظ الگوهای اجتماعی و سنتی مانند زبان، مذهب، آداب و رسوم، نوع پوشش و ... را برای خود داشته باشند .

۵-۳. امنیت زیست‌محیطی: به معنای پایداری محیط‌زیست و طبیعت جانوری و گیاهی اطراف ما است .

فقدان و یا کمبود امنیت نسبت به هر یک از این موارد موجبات کاهش رضایت مردمی، شکل‌گیری هسته‌های اعتراض و در نتیجه آسیب‌پذیری حکومت را در پی خواهد داشت. بنابراین، هم‌پای تهدیدات اساسی سنتی هم‌چون تهدید نظامی و سیاسی باید به سایر ابعاد تهدید هم‌چون تهدیدات زیست‌محیطی توجه بیش‌تری صورت گیرد.

۴. بحران زیست‌محیطی و بحران آب

همان‌طور که اشاره شد، یکی از مفاهیم مهم در محورهای پنج‌گانه بوزان، محیط‌زیست است. در تمام ابعاد جهان امروز ما شاهد پیچیدگی‌های زیادی هستیم؛ از اقتصاد تا فرهنگ و از سیاست تا زندگی روزمره. دنیای تهدیدات امنیتی نیز از این پیچیدگی مبرا نیست. امروزه جنس تهدیدات دیگر مختص به تهدیدات نظامی نیست و ابعاد بسیاری را شامل می‌شود از قبیل: پدیده مهاجرات، آوارگان، تروریسم و سایبرتروریسم که عده‌ای از آن به‌عنوان تروریسم جدید یاد می‌کنند. جدیدترین جنبه امنیت ملی که کم‌تر از سایر جنبه‌های این مفهوم مورد توجه بوده، امنیت منابع و زیست محیطی می‌باشد. در پایان دهه ۱۹۸۰، محیط‌زیست به‌عنوان یک موضوع امنیتی آغاز و به مرور، به یک مسأله امنیتی برجسته تبدیل شد (ریعی، ۱۳۸۷: ۱۴۷). مفهوم محیط‌زیست دربرگیرنده کلیه اجزای زنده و غیر زنده کره زمین - لیتوسفر، بیوسفر، اتمسفر و استراتسفر می‌شود (شولتز و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲).

منازعات زیست‌محیطی ممکن است به یکی از اشکال پنج‌گانه ذیل صورت گیرد: (۱) منازعه بر سر منابع؛ (۲) منازعه ناشی از اختلاف در فرآیندهای زیست‌محیطی؛ (۳) منازعه بر سر فقر؛ (۴) منازعه بر سر قدرت؛ (۵) منازعه بر سر آلودگی (علی بابایی، ۱۳۹۲: ۳۵۷). که در این میان، ما با موارد کم‌یابی منابع سر و کار داریم و مصادیق آن نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. ویژگی مهم مسائل زیست محیطی، محدود نشدن آن‌ها از سوی دو عنصر زمان و مکان است. در حالی که جنگ‌ها به‌عنوان مهم‌ترین حوادثی که امنیت جوامع بشری را به مخاطره می‌اندازند، تنها چند سال به طول می‌کشند و جنگ سرد که بیش‌ترین تأثیرات امنیتی را بر کشورهای جهان تحمیل کرد، تنها نزدیک به نیم قرن به طول انجامید (لطفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

در مبحث مسائل زیست محیطی، زمان به‌وقوع پیوستن آن نقشی کلیدی در مدیریت آن دارد. همان‌طور که بوزان می‌نویسد، اگر آثار مهم زیست‌محیطی دیرتر از آنچه پیش‌بینی شده است، رخ می‌نماید، شاید بتوان چنین حدس زد که نکته فوق‌الذکر چندان هم جدی نیست و چه بسا اقدامات آرام و مقطعی مقدور در نظام مدیریت آنارشی برای جلوگیری از تغییرات فاجعه‌آمیز محیط‌زیستی کافی باشد، اما اگر این تغییرات با سرعت بیش‌تری رخ دهد، محیط امنیتی همه بخش‌ها دگرگون خواهد شد و بر همه سطوح اثر خواهد گذاشت (بوزان، ۱۳۸۹: ۴۰۳-۴۰۴).

بحران محیط‌زیست را می‌توان حاصل توقعات بیش از حد انسان‌ها از آن دانست. این توقعات در حال حاضر از چهار عامل عمده در حال شکل‌گیری است:

- افزایش جمعیت
 - افزایش توقعات انسان
 - پیشرفت تکنولوژی و فن‌آوری و تأثیر آن بر محیط
 - رفتار انسان در ارتباط با محیط خود (بدری فر، ۱۳۸۰: ۴۶).
- پنجم ژوئن برابر با ۱۵ اردیبهشت ماه مصادف است با «روز جهانی محیط‌زیست» که از سال ۱۹۷۳ میلادی از سوی سازمان ملل متحد با این عنوان نام‌گذاری شده است و دوم فروردین ماه (۲۲ مارس) هرسال روز جهانی آب به منظور تحریک بخشیدن به عزم و اراده ملت‌ها در حل «بحران مدیریت منابع آب» است که این امر دال بر اهمیت این موضوع است. تصورات مختلف از امنیت محیط‌زیست بیش‌تر ناشی از چهار عامل زیر تبیین شده است:
- کاهش محیط‌زیست به‌عنوان یک علت ناپایدار سیاسی و مبارزاتی؛
 - انحطاط محیط‌زیست که نتیجه و یا ماحصل یک جنگ است؛
 - انحطاط محیط‌زیست به‌عنوان تهدیدی برای سلامتی و سالم ماندن بشر؛
 - موضوع مورد بحث دیگر تلاش‌هایی است که میزان انحطاط محیط‌زیست را می‌توان با کاربرد قدرت کاهش داد (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۴۹-۱۴۸).

اولین نشانه‌های بروز مشکل زیست‌محیطی در دهه ۵۰ میلادی به واسطه مشکلات آلودگی هوا و تأثیر آن بر بسیاری از شهرهای صنعتی ظاهر گشت، به ویژه حادثه فاجعه آمیز دود در لندن در سال ۱۹۵۲، که منجر به مرگ حدود ۴۰۰۰ نفر شد که اکثراً مبتلا به برونشیت و کهنسال بودند (راجرز، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

همان‌طور که مشخص است، مشکلات زیست‌محیطی طیف گسترده‌ای را دربر می‌گیرند؛ شامل: آلودگی هوا، سیلاب‌ها، آلودگی دریاها، استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی، از بین رفتن لایه اوزن، آب شدن یخ‌های قطب و گرم‌شدن کره زمین و هم‌چنین به زیر آب رفتن بسیاری از شهرها از آن جمله است.

«ملستر براون» با ارائه تعریف جدیدی از امنیت ملی کوشید تا محیط‌زیست را به مسأله‌ای امنیتی تبدیل کند و عده‌ای دیگر نیز کوشیدند تا مفهوم امنیت را چنان گسترش دهند که محیط‌زیست را هم در برگیرد. با این حال، در اواخر دهه ۱۹۸۰، به ویژه با

انتشار برخی مقاله‌های برانگیزنده در سال ۱۹۸۹، اهمیت محیط‌زیست به‌عنوان یک مسأله امنیتی افزایش یافت (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۳۲-۲۳۱).

از نظر بوزان، امنیت زیست‌محیطی ناظر است بر حفظ محیط محلی جهانی به‌عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری بدان متکی است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

تهدید زیست‌محیطی امنیت ملی، همانند تهدیدات نظامی و اقتصادی به پایگاه مادی دولت لطمه می‌زند و شاید تا جایی پیش رود که ایده دولت و نهادهای آن را تهدید کند. از لحاظ سنتی به تهدیدات زیست‌محیطی به گونه‌ای نگریسته می‌شود که گویا اتفاقی هستند و به‌ندرت رخ می‌دهند و بخشی از شرایط طبیعی زندگی‌اند و بیش‌تر از آن که بتوانند در دستور کار امنیت ملی قرار گیرند، به سرنوشت مربوط هستند (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۵۶). یکی از مخاطره‌انگیزترین این تهدیدات زیست‌محیطی بحران کم‌آبی است. امروزه بحران کمبود آب پدیده‌ای جهانی است و نگرانی‌هایی را برای اکثر کشورها ایجاد کرده است. به‌طوری که کارشناسان کمبود آب شیرین را بعد از تغییر اقلیم، دومین چالش بشریت در قرن ۲۱ می‌دانند و حتی برخی از صاحب‌نظران معتقدند در سال ۲۰۵۰ میلادی مسأله منابع آب شیرین، اصلی‌ترین موضوع جهان با جمعیتی بالغ بر ۹/۴ میلیارد نفر خواهد بود (معینی نژاد، ۱۳۹۱: ۱).

مشکلات حاد مربوط به کمبود آب و کیفیت آن هم‌اکنون در بسیاری از بخش‌های جهان وجود دارد. حدود نیمی از جمعیت جنوب آسیا و آفریقا به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و ۸۰ درصد بیماری‌ها در این مناطق، ناشی از آب ناسالم است (راجرز، ۱۳۸۴: ۱۹۱). هرچه فشار کم‌یابی منابع کاهش کیفیت محیط‌زیست تشدید شود، رابطه بین پیگیری دست‌یابی به منابع و حفاظت محیط‌زیست حادث‌تر شده و به حاصل جمع صفر نزدیک‌تر می‌شود (مالمیر، ۱۳۸۶: ۵۵).

زمانی که موجودی آب به ازای هر نفر در یک سال به کمتر از هزار متر مکعب برسد، آن‌گاه گفته می‌شود که یک کشور با بحران جدی آب مواجه شده است. زمانی که این سهم سرانه به کمتر از ۵۰۰ متر مکعب برسد، حیات و بقای مردم شدیداً به خطر می‌افتد. از سال ۱۹۷۰ تاکنون سهم سرانه جهانی با ۳۳ درصد کاهش همراه بوده که این میزان کاهش، صرفاً نتیجه افزایش جمعیت نبوده، بلکه مصرف بیش از حد آب دلیل عمده آن بوده است (شیوا، ۱۳۸۲: ۹۶).

از اوایل دهه ۱۹۸۰ دستگاه‌های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا نظر دادند که لاقفل در ۱۰ نقطه از جهان احتمال بروز جنگ بر سر مسأله نقصان آب‌های مشترک وجود دارد و بیش‌تر این نقاط نیز در منطقه آسیای غربی می‌باشد (استار، ۱۳۷۱: ۴۰).

اما دلایلی برای وقوع بحران آب در سطح جهانی متصور است که بدین قرار است:

• کمبود منابع آب و افزایش روزافزون استفاده از منابع آبی موجود؛

• اشتراک در منابع آب زیرزمینی و رودهای فرامرزی

• نارسایی قوانین بین‌المللی حاکم بر آب‌های مشترک (رضایی اسکندری، ۱۳۸۹: ۵۵).

هم‌چنین یکی از عوامل تشدید تضادهای بین‌المللی در آینده وجود بیش از ۲۵۰ رودخانه مرزی و مشترکی است که بین ۱۴۵ کشور دنیا در جریان است. با افزایش جمعیت این کشورها و نیاز بیش‌تر به آب طبیعتاً درگیری‌ها میان کشورهای هم‌جوار و ذی‌نفع بر سر آب‌های مشترک هم شدت بیش‌تری خواهد گرفت (رضایی اسکندری، ۱۳۸۹: ۵۵). یکی از این مناطق پرتنش خاورمیانه است که کشور ما نیز در قلب آن قرار دارد و طبیعتاً تحت‌تأثیر این بحران و عواقب آن قرار خواهد گرفت.

امروزه منابع ناکافی آب در مقایسه با کمبودهای غذایی و رشد جمعیت احتمال قوی‌تری دارد که علت زیست‌محیطی ناامنی انسانی، تنش داخلی و جنگ میان دولت‌ها باشد. برعکس، فراوانی بیش از حد آب با بالا رفتن سطح آب دریاها بر اثر گرم‌شدن هوای زمین، امنیت کشورهای کم‌ارتفاع و پست را به خطر می‌اندازد. (Dixon, 1999: 179).

نتایج یک تحقیق از افکار عمومی در سال ۲۰۰۶ نکات برجسته‌ای را داراست، که درصد نسبتاً بالایی از پاسخ‌دهندگان در کشورهای فقیر درمورد منابع آب شیرین طبیعی و به‌طور گسترده در ارتباط با نمک‌زدایی آب دریا، گفته‌اند که آب یک مشکل عمده زیست‌محیطی محسوب نمی‌شود. کسانی که تصور می‌کنند آب یک مشکل بزرگ یا اصلاً هیچ مشکلی نیست، شامل: ۶۴ درصد در بحرین، ۵۲ درصد در تونس، ۴۱ درصد در قطر، ۳۵ درصد در عمان و کویت و ۳۱ درصد در امارات متحده عربی است. در مقابل، در سودان و عراق بیش از ۹۰ درصد از جمعیت در دسترسی به آب شیرین دچار مشکل هستند که می‌توان آن‌را به ضعف دولت در زیرساخت‌های عمومی نسبت داد؛ به‌رغم این‌که هر دو کشور به خوبی از منابع آب شیرین برخوردارند (Sowers, Vengosh and Weinthal, 2011: 602).

تصاویر زیر گویای وضعیت کم‌آبی در خاورمیانه است:

Americans use more water per person than almost everywhere else, but the rest of the world is becoming more developed.

Annual Water Withdrawals Per Person by Country



میانگین استفاده هر فرد از آب بر اساس متر مکعب در یک سال

(منبع: www.khabaronline.ir)

WATER STRESS BY COUNTRY

ratio of withdrawals to supply

- Low stress (< 10%)
- Low to medium stress (10-20%)
- Medium to high stress (20-40%)
- High stress (40-60%)
- Extremely high stress (> 60%)

This map shows the average percentage of water users that cannot receive the water they need. The ratio of total withdrawals to total renewable supply is a good indicator. A higher number here means more water users are competing for limited supplies. Source: WRI Aqueduct. (Gassman et al., 2018)

AQUEDUCT

WORLD RESOURCES INSTITUTE

(منبع: www.khabaronline.ir)

تصاویر بالا نشان دهنده کشورهایی است که در معرض بحران آب (استرس آبی) قرار دارند. وقتی مجموعه برداشت آب اعم از کشاورزی صنعت و مصرف عمومی آب از میزان بارش و ذخیره منابع تجدید شونده آب درصد قابل توجهی باشد به نحوی که آینده مصرف

و تجدید ذخیره آب با تهدید مواجه شود، آن وقت یک کشور در معرض استرس آبی قرار می‌گیرد.

به گزارش ناسا، دانش‌مندان دانشگاه کالیفرنیا ایروین، مرکز پروازهای فضایی گودارد ناسا و مرکز ملی تحقیقات جوی آمریکا کشف کرده‌اند که طی یک بازه ۷ ساله که از سال ۲۰۰۳ / ۱۳۸۲ آغاز شده است؛ بخش‌هایی از ترکیه، سوریه، عراق و ایران که در امتداد حوزه آبخیز رودخانه‌های دجله و فرات قرار دارند، ۱۴۴ کیلومتر مکعب از کل ذخیره آب شیرین خود را از دست داده‌اند. (هر کیلومتر مکعب معادل یک میلیارد متر مکعب و هر متر مکعب معادل هزار لیتر است، بنابراین، ۱۴۴ کیلومتر مکعب معادل ۱۴۴ میلیارد متر مکعب یا ۱۴۴ هزار میلیارد لیتر است) این میزان تقریباً معادل آب بحرالْمیت (دریای مرده) در اردن است. به عقیده این دانش‌مندان، ۶۰ درصد از این فقدان آب ناشی از استخراج آب زیرزمینی موجود در سفره‌های آب زیرزمینی منطقه است. «کیت واس»، نویسنده نخست مقاله مذکور و متخصص سیاست‌گذاری آبی در مرکز مدل‌سازی هیدرولوژیکی دانشگاه کالیفرنیا ایروین، که زیر نظر «فامیگلیتی» اداره می‌شود، می‌گوید: «مدیریت آب در خاورمیانه موضوع بسیار پیچیده‌ای است؛ ناحیه‌ای که هم اینک نیز با منابع محدود آبی و شرکای رقیب فراوانی مواجه است. (www.khabaronline.ir)

در حال حاضر، حدود ۴۰ کشور جهان در معرض استرس آبی هستند که متأسفانه نام ایران نیز در این تارک به چشم می‌خورد که در جدول زیر ۳۶ کشور مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

Top Countries Facing Water Stress

RANK	COUNTRY NAME	BASELINE WATER STRESS SCORE
1	Antigua and Barbuda	5.00
1	Bahrain	5.00
1	Barbados	5.00
1	Comoros	5.00
1	Cyprus	5.00
1	Dominica	5.00
1	Jamaica	5.00
1	Malta	5.00
1	Qatar	5.00
1	Saint Lucia	5.00
1	Saint Vincent and the Grenadines	5.00
1	San Marino	5.00
1	Singapore	5.00
1	Trinidad and Tobago	5.00
1	United Arab Emirates	5.00
1	Western Sahara	5.00
17	Saudi Arabia	4.99
18	Kuwait	4.96
19	Oman	4.91
20	Libya	4.84
21	West bank	4.83
22	Kyrgyzstan	4.82
23	East Timor	4.81
24	Iran	4.78
25	Yemen	4.67
26	Palestine	4.63
27	Jordan	4.59
28	Lebanon	4.54
29	Somaliland	4.38
30	Uzbekistan	4.32
31	Pakistan	4.31
32	Turkmenistan	4.30
33	Morocco	4.24
34	Mongolia	4.05
35	Kazakhstan	4.02
36	Afghanistan	4.01

۵. بحران کم‌آبی و امنیت ملی

بسیاری معتقدند در کنار تشدید درگیری‌های ایدئولوژیک و ترغیب رادیکالیسم سیاسی، تقاضاهای روزافزون در برابر عرضه محدود آب هم‌چون آتش زیر خاکستر منبع بالقوه نبردهای آینده است. دکتر «پطروس غالی» وزیر خارجه اسبق مصر و دبیر کل سابق سازمان ملل متحد گفته است: جنگ آینده در منطقه خاورمیانه بر سر آب خواهد بود. حال

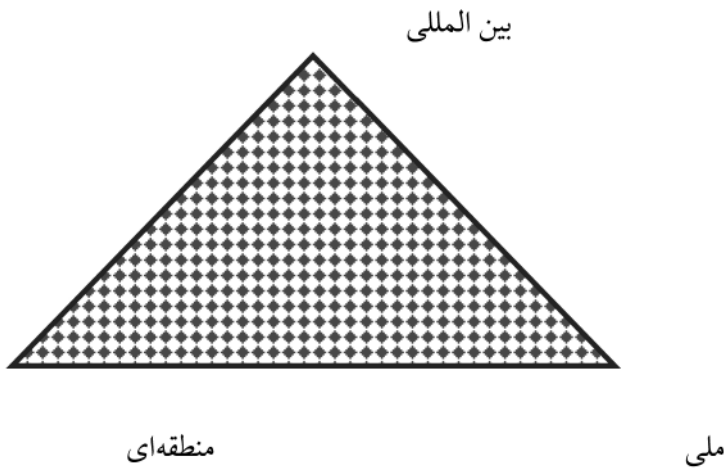
در این جا همین منابع آبی که یک کالای اقتصادی محسوب می‌شود، با رشد درخواست برای آن و کمیابی آن به یک «کالای امنیتی» تبدیل می‌شود که زمینه شکل‌گیری و تشدید تنگنای امنیتی را به دنبال خود خواهد داشت.

آمارهای سازمان‌های بین‌المللی از جمله شورای جهانی آب، یونسکو و سازمان ملل درباره منابع آب قابل شرب در مقیاس جهانی بسیار هشداردهنده است. از دیدگاه شورای جهانی آب، تا سال ۲۰۵۰ اغلب کشورهای جهان دچار بحران آب می‌شوند. رشد تقاضای جهانی برای آب شرب تا سال ۲۰۲۰ به ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت و تغییرات جوی و گرم‌شدن زمین حتی کشورهای دارای منابع آب فراوان را نیز نگران کرده است. (Rosegrant and other, 2002: 8)

حتی شورای امنیت سازمان ملل نیز اعتراف کرده که سرچشمه‌های غیرنظامی بی‌ثباتی، از جمله عوامل زیست‌محیطی تهدیدی برای صلح و امنیت شده است (Sands, 1993: 50). عده‌ای بر این اعتقادند که ریشه بسیاری از جنگ‌ها را در این منطقه می‌توان در قالب بحران کم‌آبی به بحث نشست. اولین نمونه این درگیری‌ها به سال ۱۹۵۳ و روباوی سوریه-اسرائیل برمی‌گردد. در این زمان دو کشور بر سر «طرح ملی انتقال آب» که توسط یک مهندس آمریکایی بنام «جی.ب. هایس^۱» طراحی شده بود، دچار تنش و تضاد و در نهایت جنگ شدند. دومین مناقشه باز هم میان اسرائیل و سوریه و این بار در سال ۱۹۶۵ رخ داد. در این زمان، سوریه در پی پروژه انتقال آب رود اردن بود که این امر برای مقامات وقت اسرائیل به معنای کاهش ۵۰ درصدی سهم آب و در نتیجه لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به اقتصاد و امنیت این کشور بوده است. «ناف» و «ماتسون» به نقل از برخی می‌گویند که چنین حوادثی (درگیری‌های موردی مربوط به منابع آبی) منجر به جنگ ژوئن ۱۹۶۷ شد. بسیاری از مورخان و کارشناسان مسائل نظامی معتقدند که اگر مصر نیروهای حافظ صلح سازمان ملل را مجبور به عقب‌نشینی از شبه جزیره سینا نمی‌کرد، تنگه تیران را مسدود نمی‌کرد و بندر ایلات یعنی تنها راه آبی اسرائیل به آسیا را نمی‌بست، جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اسرائیل با مصر، اردن و سوریه که به جنگ شش روزه شهرت یافت، اتفاق نمی‌افتاد (مارتین، ۱۳۸۹: ۳۳۴). هم‌چنین کاهش سرانه آب در خاورمیانه و شمال آفریقا بیش‌تر از حد متوسط جهانی است. اگر بین سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۶۰ کاهش جهانی ۴۳ درصد بود،

1. G. B. Hays

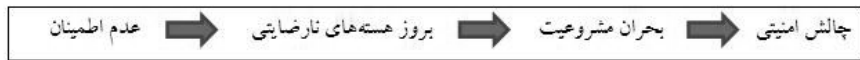
تا سال ۲۰۲۵ برآورد می‌شود ۶۴ درصد بشود، در آن صورت شاخص‌های مربوطه برای خاورمیانه و شمال آفریقا بسیار جدی و مهم هستند (هالیدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۴). مسأله این که چه موقعی یک تهدید به موضوع امنیت ملی تبدیل می‌شود، بستگی به «نوع تهدید»، «چگونگی نگرش به آن» و نیز «میزان جدی بودن» آن دارد. عوامل موثر در جدی بودن تهدید عبارتند از مشخص بودن هویت آن، قریب‌الوقوع بودن یا نزدیکی آن از لحاظ فاصله، شدت احتمال وقوع آن، میزان عواقب احتمالی آن و این که آیا اوضاع و شرایط تاریخی باعث تقویت آن تهدید می‌شود یا خیر. چنان چه از سایر نظرات وضعیت مساوی وجود داشته باشد، هر قدر تهدیدی جدی تر باشد، استناد به امنیت ملی برای واکنش در برابر آن مشروع تر خواهد بود (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۵۹). بحران آب را می‌توان در سه سطح بررسی کرد:



الف) سطح ملی: در سطح داخلی، وجود چالش‌های متفاوت زمینه را برای بروز سازوکارهای تنش‌زا فراهم می‌آورد، در این میان بحران آب نیز ویژگی‌های یک چالش تنش‌زا را داراست. «گادسون» در رابطه با بحران به این امر اعتقاد دارد که بحران شامل فقدان اطمینان فزاینده در باره‌ی جریان آینده‌ی امور است، این امر به معنای تولد شرایط عدم اطمینان است. عدم اطمینان، موجب بروز جنگ برای بقا خواهد بود؛ زیرا حفظ امنیت بزرگ‌ترین تلاش بشری است که منجر به تأثیرگذاری بر مشروعیت رژیم حاکم و در نهایت

بروز چالش امنیتی است. ممد بارلو» نویسنده ۱۶ کتاب و مشاور ارشد درباره منابع آبی در سازمان ملل، اظهار داشت که بولیوی، آفریقای جنوبی، هند، بوتسوانا، مکزیک و حتی بخش‌هایی از ایالات متحده، شاهد تظاهرات بزرگ‌ترین در مورد موضوعات مربوط به منابع آبی بودند. وی گفت که درگیری بر سر خصوصی‌سازی آب در بولیوی، به نوعی جنگ بر سر آب تبدیل شد و ارتش ناچار به مداخله شد. در بوتسوانا، دولت چاه‌های آب را به‌عنوان بخشی از اقدامات خود مبنی بر خارج کردن بومیان از صحرای کالاهاری، تخریب کرد. (<http://www.farsnews.com>).

مسأله‌ای که در سطح ملی متصور است «شرایط عدم اطمینان» است که زاده ترس ناشی از کم‌یابی منابع است و عدم توان مدیریت آن از سوی صاحبان قدرت و ثروت مشکله امنیت را بغرنج‌تر از پیش می‌سازد. نوع رابطه‌ای که در این وضعیت موجبات چالش امنیتی را فراهم می‌سازد، از نوع «شهروند-حکومت» می‌باشد. به این معنا که کشمکش میان شهروندان و رژیم حاکم زمینه‌های چالش امنیتی را آغاز می‌کند و دیگر امنیت روانی برای هیچ فردی محلی از اعراب نخواهد داشت.



ب) سطح منطقه‌ای: در هیچ جای دنیا به اندازه خاورمیانه مسأله کمبود آب بر شکل‌گیری مناسبات سیاسی مرزی و اقتصادی بین کشورها موثر نیست. حوضه‌های آبریز تنش‌زا در این گزارش عبارتند از:

- حوضه آبریز رود نیل؛ مشترک بین مصر، سودان، اتیوپی و شرق آسیا؛
- حوضه آبریز رودهای دجله و فرات؛ مشترک بین ترکیه و عراق؛ و
- حوضه آبریز اردن و لیتانی؛ مشترک بین اسرائیل، اردن، سوریه و لبنان (عطافر و شجاعی، ۱۳۹۰: ۱۹).

رود نیل نیز یک نقطه اشتعال بالقوه برای جنگ محسوب می‌شود. در سال ۱۹۸۹، حسنی مبارک رئیس جمهور سابق مصر، اتیوپی را تهدید کرد که اگر پروژه سدسازی خود بر روی رود نیل را متوقف نکند، نیروهای تخریب‌گر مصر را به آنجا خواهد فرستاد. مسأله اساسی در سطح منطقه‌ای موضوع «دامنه آشوب» است. خاورمیانه مکانی است که

کانون بسیاری از بحران‌هاست، اما منظور از دامنه آشوب گسترش بحران کم‌آبی در تمامی کشورهای این منطقه از جهان است. در این جا نوع رابطه و کشمکش «حکومت-حکومت» خواهد بود، که با گذار از مرحله بحران موجبات پیدایش جنگ نیز محتمل است.

ج) سطح بین‌المللی: در سطح بین‌المللی نیز بحران آب از ویژگی «فراگیری» برخوردار است. به این معنا که بحران آب در سرتاسر جهان و به‌خصوص در آسیا و آفریقا به خوبی مشهود است. مصداق بارز این پراکندگی را می‌توان در نگرانی‌های سازمان ملل پیدا کرد. مرکز پژوهشی حوزه آب سازمان ملل، در تازه‌ترین گزارش خود از وضعیت بحرانی ذخایر آب جهان خبر داد. در این گزارش گفته شده که تا سال ۲۰۳۰ ذخایر آب زمین به میزان ۴۰ درصد کاهش خواهد یافت و این خشک‌سالی بیش‌تر در مناطقی با آب و هوای خشک و گرم مشهود خواهد بود. به گفته کارشناسان سازمان ملل، تغییرات جوی تأثیرگذار بر میزان بارندگی، استفاده بیش از حد از ذخایر آب زیرزمینی و افزایش جمعیت، سه علت اصلی این رخداد هستند و چنان‌چه شیوه‌های مصرف آب تغییر نکند، بروز خشک‌سالی اجتناب‌ناپذیر است. مرکز پژوهشی حوزه آب هم‌چنین اعلام کرده، هم‌اکنون بیش از نیمی از آب آشامیدنی دنیا از سفره‌های آب زیرزمینی تأمین می‌شود و بیش‌از ۲۰ درصد این ذخایر در مناطق مختلف به ویژه در چین، هند و آمریکا، صرف کارهای غیر ضروری می‌شوند. این درحالی است که بیش از ۷۴۸ میلیون انسان هنوز از دسترسی به آب پاکیزه محروم هستند.

گستره بحران	بازیگران	نوع بحران	ویژگی
ملی	شهروند - حکومت	اعتراض - تظاهرات	عدم اطمینان
منطقه‌ای	حکومت - حکومت	بحران‌های مقطعی - جنگ	دامنه آشوب
بین‌المللی	جهانی	بحران‌های پیوسته - مرگ و میر	فراگیری

اما در مورد کشور ایران باید گفت که رودخانه‌های پرآبی به کشورمان وارد می‌شوند از قبیل هیرمند، هریرود، ساری‌سو، قره‌سو و ارس که کشور را در وضعیت بهتری قرار می‌دهد و بسیاری از محققان معتقدند که با این وضعیت منابع آبی ایران می‌تواند نقش کلیدی را در آینده خاورمیانه بازی کند و حتی عده‌ای معتقدند که می‌تواند به فروش آب بپردازد، اما باید به این نکته توجه داشت که کشورمان در شرایط حاضر به دلایل بسیاری در وضعیت مطلوبی به لحاظ آب به سر نمی‌برد. با توجه به ماهیت بحران آب در خاورمیانه که بسیاری معتقدند جای نفت را در منازعات بین‌المللی گرفته، باید بدانیم که نقش آن از یک کالای معمولی و روزمره عوض شده و در روزگار کنونی «کالایی امنیتی» تلقی می‌شود که حیات جوامع بشری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نوع این تهدید می‌تواند موجبات فروپاشی یک رژیم را نیز فراهم کند و امنیت ملی را به شدت مورد تهدید قرار دهد. در خصوص نگاه به این بحران باید گفت که جایگاه آن با توجه به آمار و داده‌های موجود کاملاً روشن است. امروزه بحران آب را در ردیف تنش‌های با «درجه حساسیت بالا» قرار می‌دهند که در بین حکام بسیاری از کشورها به صورت جدی پیگیری می‌شود و عده‌ای نیز نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند که احتمالاً امنیت رژیم خود را جدای از امنیت آبی می‌دانند.

حال این سوال به ذهن متبادر می‌شود که چگونه بحران‌های آبی، تنش‌های اساسی را دامن خواهد زد؟

براساس آمار یادشده بحران کم‌آبی مسأله‌ای است که از حالت تئوری خارج و در عمل موجبات تأثیر و تأثر بر امنیت ملی را فراهم آورده که دلیل آن را بر اساس مفروضات اصلی مکتب کپنهاگ می‌توان در چند مورد برشمرد:

اول: احتمال بروز جدی‌تر بحران به عبارتی شدت و یا عمق بحران

دوم: فاصله مکانی و مسیرهای این بحران

سوم: نزدیکی بحران به لحاظ زمانی و با ذکر این نکته که در زمان حال نیز موجبات خسارات جانی فراوانی را فراهم آورده است

چهارم: شدت چنین بحرانی در منطقه خاورمیانه با توجه به گسترش ابعاد آن و وضعیت منابع آن، شرایط بغرنجی را به دنبال خواهد داشت

پنجم: هم‌چنین باید توجه داشت که سابقه برخی از درگیری‌های منطقه را می‌توان به حفظ و یا دستیابی به تفوق بر منابع آبی دانست که این امر در تشدید بحران‌های

آینده نقشی اساسی دارد.

۶. دستور کار بخش زیست محیطی امنیت ملی از نظر بوزان

از نظر بوزان بخش زیست محیطی امنیت ملی دو دستور کار دارد:

الف) دستور کار سیاسی که در اصل دستور کار حکومتی و بین حکومتی بوده و از روند تصمیم‌گیری عمومی و خط‌مشی‌های همگانی درباره نحوه برخورد با نگرانی‌های زیست محیطی تشکیل یافته و بیان‌گر میزان سیاسی و امنیتی‌شدن بخش محیط زیست است. این دستور کار ناظر بر سه حوزه است:

- آگاهی مردم و دولت از موضوعات مطرح در دستور کار علمی
- قبول مسئولیت سیاسی برای برخورد با این موضوعات
- مسائل مطرح شده در زمینه مدیریت سیاسی مانند مشکلات همکاری بین‌المللی، شکل‌گیری رژیم‌ها و نهادهای بین‌المللی و ...

ب) دستور کار علمی که در قالب فعالیت‌های غیرحکومتی و علمی تبلور یافته و شامل فهرستی از مسائل زیست محیطی است که به‌طور بالقوه یا بالفعل تکامل تمدن‌های موجود را با مشکل مواجه می‌سازد و شالوده حرکت‌های امنیتی‌کننده را می‌سازد. (لطفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

در این میان واردات محصولات نیازمند آب نیز کمک شایانی به حفظ منابع آبی دارد. بسیاری از کشورهای خشک و نیمه خشک با وارد کردن مواد غذایی، بخشی از آبی را که برای تولید داخلی محصولات نیاز است، برای استفاده در سایر مصارف حفظ می‌کنند. به‌عنوان مثال کشور مصر در سال ۱۹۹۵، ۷/۵ میلیون تن انواع غلات وارد کرده است، تولید این مقدار غلات در مصر ۹/۹ کیلومتر مکعب آب نیاز دارد که به این طریق این مقدار آب حفظ شده و صرف سایر موارد می‌شود. (عطافر و شجاعی، ۱۳۹۰: ۲۵).

چندان مشکل نیست که تصور کنیم در آینده نه چندان دور، تهدیدات زیست‌محیطی به حد تهدیدات نظامی برسد و در آن‌ها روش‌های نظامی و زیست‌محیطی در روابط بین دولت‌ها تأثیر متقابل بگذارد (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۵۸). به‌طور کلی در ارتباط با بحران آب در منطقه آسیای جنوب غربی، چهار طرف اصلی وجود دارد که عبارتند از: (۱) طرف ایرانی؛ (۲) طرف عربی؛ (۳) طرف ترک و (۴) طرف اسرائیلی (صادقی، ۱۳۷۶: ۲۰۴).

حل بحران آب در سطح منطقه‌ای نیازمند همکاری همه‌جانبه این طرف‌هاست. هر چند مفسرین بسیاری در نوشته‌های خود معتقدند که همکاری در منطقه خاورمیانه امکان‌پذیر نیست که از جمله آنان می‌توان به مقاله‌ای از «آناس ضیادین» اشاره کرد. ایشان در این نوشته معتقد است که در سایه بی‌ثباتی سیاسی در منطقه، برخورد ایدئولوژی‌ها و عواقب آن و مسائل مربوط به امنیت ملی و حاکمیت، همکاری‌های منطقه‌ای در مورد مسأله آب در حد یک فرض باقی می‌ماند (Zyadin, 2013: 49).

مانند موارد فوق‌الذکر و همچنین از دیگر مصادیق آن، در سال ۱۹۷۵ پس از این‌که سوریه و ترکیه با ساختن سدهای مخزنی متعدّد روی رودخانه فرات، جریان آب این رودخانه را در خاک عراق کاهش دادند، کشورهای سوریه و عراق در آستانه جنگ قرار گرفتند (ساری صراف، ۱۳۸۴: ۱۹۹-۱۹۸).

در جدول زیر مصارف آب را به نسبت جمعیت در سال‌های مختلف شاهدیم که در این میان به سناریو سال ۲۰۲۵ نیز پرداخته شده است: (بزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹).

منطقه	جمعیت (میلیون نفر)			درصد جمعیت در مناطق شهری (سال ۲۰۰۱)	آب سالانه شیرین تجدید پذیر (کیلو متر)	درصد آب شیرین مورد نیاز در بخش‌ها		
	۱۹۷۰	۲۰۰۱	۲۰۲۵			خانگی	صنعتی	کشاورزی
خاورمیانه	۱۷۳/۴	۳۸۵/۶	۵۶۸	۵۹	۶۳۲/۳	۸	۵	۸۷
اردن	۱/۶	۵/۲	۷/۸	۷۹	۰/۹	۲۲	۳	۷۵
امارات	۰/۲	۳/۳	۴/۵	۸۴	۰/۲	۲۴	۹	۶۷
ایران	۲۸/۸	۶۶/۱	۸۸/۴	۶۴	۱۳۷/۵	۶	۲	۹۲
بحرین	۰/۲	۰/۷	۱	۸۸	۰/۱	۳۹	۴	۵۶
ترکیه	۳۵/۳	۶۶/۳	۸۵/۲	۶۶	۲۰۰/۷	۱۶	۱۱	۷۲
تونس	۵/۱	۹/۷	۱۲/۵	۶۲	۴/۱	۹	۳	۸۹
الجزایر	۱۳/۸	۳۱	۴۳/۲	۴۹	۱۴/۳	۲۵	۱۵	۶۰
سوریه	۶/۳	۱۷/۱	۲۷/۱	۵۰	۴۶/۱	۴	۲	۹۴
عراق	۹۴/۴	۲۳/۶	۴۰/۳	۶۸	۹۶/۴	۳	۵	۹۲

عربستان	۵/۷	۲۱/۱	۴۰/۹	۸۳	۲/۴	۹	۱	۹۰
قطر	۰/۱	۰/۶	۰/۸	۹۱	۰/۱	۲۳	۳	۷۴
کویت	۰/۷	۲/۳	۴/۲	۱۰۰	۰/۰۲	۳۷	۲	۶۰
لبنان	۲/۵	۴/۳	۵/۴	۸۸	۴/۶	۲۸	۴	۶۸
لیبی	۲	۵/۲	۸/۳	۸۶	۰/۶	۱۱	۲	۸۷
مراکش	۱۵/۳	۲۹/۲	۴۰/۵	۵۵۳۰	۳۰	۵	۳	۹۲
مصر	۳۵/۳	۶۹/۸	۹۶/۲	۴۳	۸۶/۸	۶	۸	۸۶

با توجه به تمام ویژگی‌های مذکور در چارچوب رویکرد کپنهاگ و اندیشه‌های بوزان شاهد تأثیرات بحران‌های زیست‌محیطی بر امنیت ملی هستیم. انتخاب یکی از ابعاد امنیت تحت عنوان امنیت زیست‌محیطی گویای حیاتی بودن این مولفه است. در این‌جا نگراننده با بررسی بحران آب در خاورمیانه و وضعیت بحرانی آن سناریوهای آینده را غرق در بی‌ثباتی‌هایی می‌داند که ریشه اصلی آن‌را می‌توان در کمبود منابع آب جست. بنابراین در کنار تروریسم منطقه‌ای، جنگ سایبری، ناآرامی‌های داخلی و رشد گروه‌های افراطی باید جای‌گاهی مستقل برای بحران‌های زیست‌محیطی خصوصاً بحران کم‌آبی قائل باشیم.

نتیجه‌گیری

امروزه آب شناسان و حتی سیاستمداران کشورهای مختلف جهان یقین دارند که نحوه استفاده از منابع آب دنیا و چگونگی مصرف بهینه و مشترک از منابع آب شیرین موجود در جهان که هم محدود و آسیب‌پذیر و هم عامل اصلی زندگی، توسعه و محیط است، می‌تواند تعیین‌کننده وضعیت جنگ یا صلح در عصر حاضر باشد. به‌طوری‌که شرکت‌کنندگان در دومین کنفرانس آب در مارس ۱۹۹۴ در کشور هلند تقسیم آب در دنیا را «تقسیم حیات» خوانده‌اند. به همین دلیل است که ابراز می‌شود تا سال ۲۰۱۵، نقش آب برای جامعه بشری بدل به همان نقشی خواهد شد که امروزه نفت در حیات آدمیان ایفا می‌کند؛ یعنی عنصری کم‌یاب، گران‌بها و در معرض خطر به اتمام رسیدن، اما با این تفاوت مهم که به اتمام رسیدن منابع آب به مفهوم پاره شدن رشته حیات انسان در روی کره زمین است (بزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). هم اکنون بیش از یک میلیارد نفر یعنی یک ششم

جمعیت جهان و یک نفر از هر پنج نفر در جهان در حال توسعه، به آب سالم دسترسی ندارند. طبق تخمین‌های موجود تعداد افرادی که در کشورهای مواجه با کمبود آب زندگی می‌کنند، از ۷۰۰ میلیون نفر کنونی تا قبل از سال ۲۰۲۵ به بیش از ۳ میلیارد نفر خواهد رسید (بزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶). هم‌چنین براساس پیش‌بینی بانک جهانی، تا سال ۲۰۲۵ دو سوم جمعیت جهان دچار کمبود آب خواهند شد. اکنون حدود ۲/۳ میلیارد نفر در مناطقی زندگی می‌کنند که با کمبود متوالی آب و تنش آبی مواجه هستند و با ادامه این روند، در سال ۲۰۲۵ تنش آبی در مناطق مختلف کره زمین نزدیک به ۵۰ درصد بالغ خواهد شد، در حالی که تا سال ۲۰۲۵ مناطقی فاجعه‌آمیز از نظر کمبود آب خواهیم داشت که خاورمیانه و شما آفریقا در مرکز این بحران قرار دارند (معموری و کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

در گزارش کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ چنین آمده است که با بودجه‌ای کمتر از یک ماه مخارج نظامی جهان می‌توان چهار موضوع مهم زیست‌محیطی جهان یعنی جنگل‌های استوایی، آب، بیابان‌افزایی و جمعیت را حل و فصل کرد (WCED, ۱۹۸۷: ۳۰۳). حال به نظر می‌رسد اکنون این پیچیدگی‌ها بیش‌تر شده و به راحتی نمی‌توان از حل و فصل آن صحبت کرد، اما کاهش و تخفیف این سناریوهای نابهنجار قابل بررسی است.

البته هر دولت و ملتی در سطح داخلی موظف به رعایت مواردی برای مدیریت بحران آب هستند:

۱- تغییر در فرهنگ عمومی: (هم‌چون توجه به دستورات قرآن در کشورهای مسلمان)

۲- استفاده از روش‌های نوین آبیاری در کشاورزی

۳- استفاده از سدهای زیرزمینی برای جلوگیری از هدر رفتن آب‌های کشاورزی و

زیرزمینی

۴- کاهش مصارف خانگی

۵- تفکیک میان آب‌های آشامیدنی و آب برای سایر مصارف غیر خانگی

۶- ارزیابی و پیش‌بینی وقوع خشک‌سالی با استفاده از داده‌های آماری و ماهواره‌ای

۷- بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های منابع آب

۸- مدیریت شفاف منابع آب با تمرکز بر روی درخواست مصرف‌کنندگان

۹- نمک‌زدایی و استفاده از آب شیرین‌کن

۱۰- استفاده مجدد از آب‌های تصفیه شده

فارغ از تمام موارد گفته شده، بحران کم‌آبی دیگر یک پیش‌بینی نیست، بلکه واقعیتی است که بشریت را به چالش کشانده و هم‌چنین توانایی تغییرات ساختاری و تحمیل این تغییرات، بر رژیم‌های کشورهای مختلف را داراست، زیرا این بحران مراحل ابتدایی خود را طی کرده و حتی از مرز هشدار نیز گذشته و امروزه جان صدها هزار نفر را تهدید و موجبات مرگ هزاران نفر را فراهم آورده است. *

منابع فارسی

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶). «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ». فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۸۲ ص ۴۵۸-۴۳۹.
- استار، جویس آر (۱۹۹۱). «بحران آب زمینه‌ساز درگیری‌های آینده در خاورمیانه»، ترجمه آطباطبایی (۱۳۷۱)، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۵۵ و ۵۶، صص ۴۶-۴۰.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۵). «جایگاه منافع و امنیت ملی در ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رهیافت سیاسی و بین‌المللی، شماره ۸.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). «مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی». تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بدری فر، منصور (۱۳۸۰). «مبانی جغرافیای انسانی سیستم انسان - محیط».
- بزی، خدارحم، خسروی، سمیه، جوادی، معصومه و حسین نژاد، مجتبی (۱۳۸۹). «بحران آب در خاورمیانه (چالش‌ها و راهکارها)»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیادانان جهان اسلام، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- بوزان، باری (گفتگو) (۱۳۷۹). «آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره سوم.
- بوزان، باری و ویور، اولی (۱۳۸۰). «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۸۹). «مردم، دولت‌ها و هراس»، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). «مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی»، جلد اول، رهیافت‌ها و راهبردها، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، چاپ اول.
- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳). «مطالعات امنیتی نوین»، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تهامی، سید مجتبی (۱۳۷۶). «امنیت ملی دکتربین و سیاست‌های دفاعی و امنیتی»،

دانشگاه دفاع ملی، جلد یکم.

جاجرمی، کاظم، پیشگاهی فرد، زهرا و مهکویی، حجت (۱۳۹۲). «ارزیابی تهدیدات زیست‌محیطی در امنیت ملی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۷، صص ۲۰۳-۱۹۳.

دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال (۱۳۹۲). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، انتشارات سمت.

راجرز، پال (۱۳۸۴). «زوال کنترل: امنیت جهان در قرن ۲۱»، ترجمه امیرمحمد حاج یوسفی و مژگان جبلی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ربیعی، علی (۱۳۸۷). «مطالعات امنیت ملی»، تهران: مقدمه‌ای بر نظریه امنیت ملی در جهان سوم، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

روشندل، جلیل (۱۳۹۲). «امنیت بین‌الملل و نظام بین‌الملل»، تهران: انتشارات سمت.

رضایی اسکندری، داوود (۱۳۸۹). «چشم‌انداز جهانی بحران آب: مطالعه موردی: بحران آب در آسیای مرکزی؛ دلایل و راه‌کارها»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۹، صص ۷۴-۵۱.

ساری صراف، بهروز (۱۳۸۴). «بحران آب و همکاری بین‌الملل»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۵ و ۲۱۶، صص ۲۰۳-۱۹۶.

شولتز، ریچارد، گادسون، روی و کوئیستر، جورج (۱۳۹۲). «رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی»، جلد دوم، ترجمه سید محمدعلی متقی نژاد، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

شیوا، واندانا (۱۳۸۲). «آب؛ سرمایه دیروز، بحران امروز، تجارت فردا»، فصلنامه سیاحت غرب، شماره ۸۲، صص ۹۸-۹۴.

صادقی، سیدشمس‌الدین (۱۳۷۶). «هیدروپلیتیک و بحران آب: چالش‌های آینده در خاورمیانه و خلیج فارس»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۵ و ۱۱۶، صص ۲۰۷-۲۰۰.

عبداله خانی، علی (۱۳۸۳). «نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی (۱)»، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصرتهران.

عطافر، علی و شجاعی، مرضیه (۱۳۹۰). «نقش آب در موقعیت راهبردی ایران در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره ۶۴، صص ۳۸-۷.

علی بابایی، غلامرضا (۱۳۹۲). «فرهنگ دیپلماسی و روابط بین‌الملل»، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

گریفیتس، مارتین، روچ، استیون و سولومون، اسکات (۱۳۹۳). «پنجاه متفکر بزرگ روابط بین‌الملل»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات نشر نی.

لطفی، حیدر، نامی، محمدحسن، حسن‌پور، جعفر و بحیرایی، حمید (۱۳۹۰). «امنیت زیست محیطی و سیاستگذاری امنیت ملی»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره چهارم.

مارتین، لی نور جی (۱۳۸۹). «چهره جدید امنیت در خاورمیانه»، ترجمه قدیر نصری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، دانشگاه امام صادق (ع).

مالمیر، محمود (۱۳۸۶). «پویشی در بنیان‌های تدوین راهبرد امنیت ملی»، فصلنامه نگرش راهبردی، شماره ۸۱ و ۸۲، صص ۶۶-۴۵.

معموری، علی و کاظمی، سیدآصف (۱۳۹۰). «نقش اسرائیل در بحران آب خاورمیانه»، فصلنامه سخن تاریخ، شماره ۱۲، صص ۱۵۱-۱۲۱.

معینی نژاد، ابوالفضل (۱۳۹۱). «بحران آب در دشت کاشان: ضرورت اصلاح الگوی مصرف». نصری، قدیر (۱۳۸۳). «بافتار منطقه‌ای امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۴.

ویلیامز، مایکل چارلز (۱۳۹۰). «فرهنگ و امنیت»، ترجمه روح الله طالبی آرانی و مرتضی نورمحمدی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هالیدی، فرد، بوزان، بری، بوش، هیینه و دیگران (۱۳۹۰). «خاورمیانه نو: نظریه و عمل»، ترجمه عسگر قهرمانپور، تهران: انتشارات امیرکبیر.

منابع لاتین

- (<http://www.khabaronline.ir/detail/373416/society/environment>).
- (<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910617000434>).
- Ayoob, Mohammad (1995). «*The Third World Security Predicament, State Making, Regional Conflict and the International*», London; Lynn Rienner Publishers.
- Bigo, Didier (2002). «*Security and Immigration: Toward a Critique of the Governmentality of Unease*», *Alternatives*, 27 (Special Issue).
- Emanuel Adler (1991). «*Seasons of Peace: Progress in Postwar International Security*», in Emanuel Adler and Beverly Crawford (eds), *Progress in Postwar International Relations*, New York: Columbia University Press, p. 132.
- Homer-Dixon, Thomas F (1999). «*Environment, Security and Violence*», Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Moler, Bjorn (2000). «The Concept of Security: The Pros and Cons of Expansion and Contradiction», Copenhagen Peace Research, August 2000, Accessible in: <http://www.Ciaonet/wps/moboi/index.html>.
- Rosegrant, Mark w. and other (2002). «World water and food to 2025», international food policy research institute (IFPRI), Available at: http://www.ifpri.org/sites/default/files/publications/water_2025.pdf.
- Sands, Philippe (ed.) (1993). «*Enforcing Environmental Security*», in Sands (ed.), *Greening International Law*: 50-64.
- Sowers, Jeannie, Vengosh, Avner and Weinthal, Erika (2011). «*Climate Change: Water Resources, and the Politics of Adaptation in the Middle East and North Africa*», *Climatic Change*, pp 599-627.
- Waver, Ole (1995). «*Securitization and Desecuritization*», in Ronnie D. Lipschutz (ed), *On Security* (New York, NY: Columbia University Press), pp 48-86.
- WCED (World Commission on Environment and Development) (1987). «*Our Common Future*», Oxford: Oxford University Press, chair. Gro Harlem Brundtland.
- Zyadin, Anas (2013). «Water Shortage in MENA Region: An Interdisciplinary Overview and a Suite of Practical Solutions», *Journal of Water Resource and Protection*, PP 49-58.

